

الْعَفْوُ الرَّجِيمُ ۝۴۰

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِرَكِيبٍ ۝۴۰

وَأَنبِئْهُمْ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُذَ اللَّهُ وَهُوَ خَبِيرٌ
الْحَكِيمِينَ ۝۴۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝
الرَّ

كَيْتُ الْحِكْمَتِ إِنَّهُ فَخْرٌ مُصَلَّتْ مِنْ لَدُنِّكَ وَحَيْثُ خَيْرٌ ۝۱

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّهُ لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَبَشِيرٌ ۝۲

وَأَن اسْتَعْفُوا رَأْسَكُمْ ثُمَّ تَوَلَّوْا إِلَيْهِ يَتَوَلَّكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ
أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي
أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ۝۳

در حق تونعمتی پس نیست هیچ دفع کننده فضل او را میرساندش بهره که خواهد ازبندگان خود واوست آمرزندهٔ مهربان (۱۰۷) .

بگوای مردمان بتحقیق آمده است به شماوخی راست از پروردگار شماپس هرکه راه یافت جزاین نیست که راه یابد برای خود وهرکه گمراه شد جزاین نیست که گمراه می شود بزبان خود ونیستم من بر شما نگهبان (۱۰۸) .

و(یامحمد) پیروی کن چیزی را که وحی فرستادیم بتووشکیبائی کن تاآنکه فیصله کند خدا واو بهترین فیصله کنندگان است (۱۰۹) .

سوره هود مکی است وآن یک صدو بیست و سه آیت وده رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .
الرَّ

این کتابیست که استوارکرده شد آیات او بازواضح کرده شده آمده از نزد خدای درست کارباخبر (۱) .

(بآن مضمون که پیغامبرگوید) عبادت نکنید مگر خدا را هرآئینه من شمارا ازجانب او بییم کننده ویشارت دهنده ام (۲) .

وآنکه آمرزش طلب کنید ازپروردگار خود بازرجوع کنید بسوی وی تابهره مند سازد شمارا به بهرهٔ نیک تامیعاد معلوم وتا بدهد هرصاحب بزرگی را جزای

بزرگی او و اگر روگردان شوید پس هر آئینه من می ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ (۳) .

بسوی خداست بازگشت شما و او بر هر چیز تواناست (۴) .

آگاه باش این کافران می پیچند سینه های خود را^(۱) می خواهند که پنهان شوند از خدا آگاه باش چون بر سر می کنند جامه های خود را میدانند آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکار می کنند هر آئینه او داناست بسریکه در سینه هاست^(۲) (۵) .

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او می داند جای ماندن او را و جای نگاهداشتن او را هر یک در کتاب روشن است^(۳) (۶) .

و اوست آنکه آفرید آسمان ها و زمین را درشش روز و بود عرش او بر آب (آخر کار آفریدن شما آنکه) تا بیازماید شما را که کدام یک از شما نیکوتر است

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُهُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ⑤

إِلَّا إِلَهُمُ الَّذِينَ صَدَقُوا لَهُمْ لِيَسْتَعْتَبُوا مِنَّا الَّذِينَ يَسْتَفْتُونَ
بِأَيِّهِمْ يَعْلَمُونَ مَا يُبَيِّرُونَ وَمَا يَعْلَمُونَ إِنَّكَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الضُّمُورِ ⑥

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رُزُقُهَا
وَيَعْلَمُ مَسْفَرَهَا وَمَسْتودِعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ⑦

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ
عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ
إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ

(۱) یعنی اعراض می کنند .

(۲) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت از آنست که فکر های ناصواب کند و شبیهات و اهیبه دل خود را اطمینان دهد و عقائد حقه را فراموش سازد زیرا که صدر اینجا بمعنی علوم صدر آمده است .

(۳) یعنی در لوح محفوظ نوشته شده مترجم گوید مستودع جائی است که بغیر اختیار او آنجا نگاهداشته بودند مانند صُلب و رَحِم و مستقر جائیست که باختیار خود می ماند مثل خانه .

هَذَا الْأَكْبَرُ يُرْمَىٰ ۝۵

از جهت عمل و اگر گوئی که هرآئینه شمابرانگیخته شوید بعد از موت البته گویند کافران نیست این سخن مگر جادوئی ظاهر (۷) .

وا گر باز داریم از ایشان عقوبت رانامدتی شمرده شده البته گویند چه چیز باز می دارد آنرا آگاه باش روزیکه بیاید بایشان نه باشد بازداشته شده از ایشان و فرا گیرد ایشان را آنچه استهزای کردند بآن (۸) .

وا گر بچشانیم آدمی را نعمتی از نزد خود باز بگیریم آن را زوی هرآئینه وی ناامید و ناسپاس است (۹) .

وا گر بچشانیم آدمی را رفاهیتی بعد سختی که رسیده باشد به وی البته گوید برفتند سختی ها از من هرآئینه وی شادمان خود ستاینده است (۱۰) .

مگر آنانکه شکیانی نمودند و کارهای شائسته کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ (۱۱) .

پس شاید توترک کنی بعض آنچه وحی فرستاده می شود بسوی تو و تنگ می شود بآن سینه تو^(۱۱) از جهت آنکه می گویند چرا فرو آورده نه شد بروی گنجی یا چرا نیامد همراه او فرشته جزاین نیست که تو بیم کننده ای و خدا بر هر چیز نگهبان است . (۱۲)

وَلَيْنَ أَخْرَجْنَاهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ آتَةٍ مَّعَدُودَةٍ لَّيْقُولُنَّ مَا عَجَبُوا إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْمُرُوفُ أَفَءَعْتَهُمْ وَحَقٌّ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهٖ يَتَهَمُونَ ۝۵

وَلَيْنَ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مَتَاعَ حَمِيمٍ ثُمَّ نَمْنَعُهَا مِنْهُ آتَةً لَّيُؤْسُّنَّ نُفُورًا ۝۶

وَلَيْنَ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيُفْوِنَ زَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي آتَةً لِّفِرْحَ فُخُورًا ۝۷

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۝۱۱

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا نُوحِيَ إِلَيْكَ وَصَاطِئُ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ وَجَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝۱۲

آیامی گویند افترا بسته است (قرآن را) بگوپس بیارید ده سوره را مانند این برافته و بخوانید هرکرا توانید بجز خدا اگر راست گوهستید^(۱) (۱۳) .

پس اگر قبول نکنند آن کافران سخن شمارا بدانید که قرآن نازل کرده شده است بعلم خدا و بدانید که هیچ معبود برحق نیست مگر وی پس آیاشما مسلمان هستید^(۲) (۱۴) .

هرکه خواسته باشد زندگانی دنیا و تجمل آن بتمام رسانیم بسوی این جماعت جزای اعمال ایشانرا درینجا و ایشان درینجا نقصان داده نه شوند^(۳) (۱۵) .

این جماعت آنانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش و باطل شد در آخرت آنچه کرده بودند و نابودست آنچه به عمل می آوردند (۱۶) .

آیا کسی که باشد بر حجتی از جانب پروردگار خود^(۴) و دنبال وی می آید گواهی از جانب پروردگار او^(۵) و پیش

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورٍ مِثْلِهِ مَعَارِبٍ وَّ ادْعُوا مَنْ اسْتَفَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۳﴾

فَأَلَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَكُمْ قُلُوبًا تَعْلَمُونَ أَلَمْ أَنْزِلْ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۴﴾

مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّا لَهَا تُفَاهًا لِيَجْهَرُوا بِأَعْمَالِهِمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْصَرُونَ ﴿۱۵﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۶﴾

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَتِيمَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ

(۱) مترجم گوید نخست بدۀ سوره تحدی واقع شد و چون از آن عاجز شدند بیک سوره تحدی فرمود .

(۲) یعنی براسلام ثابت باشید .

(۳) یعنی ثواب صدقه و صلۀ رحم که از کفار بوجود می آید در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق و صحت بدن .

(۴) یعنی دلیل عقلی .

(۵) یعنی قرآن .

از قرآن گواه وی بود کتاب موسیٰ پیشوائی
و بخشایشی مثل دیگران باشد این
جماعت ایمان می آرند بقرآن و هر که
کافر شد بآن از گروه ها پس آتش وعده گاه
ویست پس مباش در شبهه از نزول قرآن
هر آئینه وی درست است، آمده
از پروردگار تو ولیکن بیشتر مردمان ایمان
نمی آرند (۱۷) .

و کیست ستمگارت از کسی که بریست
بر خدا دروغی را این جماعت آورده
شوند پیش پروردگار خویش و گویند
گواهان^(۱) ایشانند آنانکه دروغ بستند
بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت
خداست بر ستمگاران (۱۸) .

آنانکه بازمی دارند مردمان را از راه
خدا و می خواهند برای آن راه کجی را
و ایشان بآخرت کافراند (۱۹) .

این جماعت نه باشند عاجز کننده
در زمین و نه باشد ایشان را بجز خدا از
دوستان، دو چند کرده شود ایشان را
عذاب نمی توانستند شنیدن (یعنی بسبب
شدت ناخوشی) و نمی دیدند^(۲) (۲۰) .

این جماعت آنانند که زیان کردند در حق
خویش و گم شد از ایشان آنچه برمی
بافتند (۲۱) .

يَكْفُرُ بِهِ مِنَ الْأَحْبَابِ قَالَ تَرْمِذُونَ مَا كُنَّا مُوعِدُهُمْ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ
مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۷﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ
عَلَى رَبِّهِمْ يَقُولُ الشَّهَادَةُ لَوْلَا الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَيَّ
رَبِّهِمْ أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۸﴾

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَعْبُدُونَ مَا عِوَجًا وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿۱۹﴾

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُ لَهُمْ
مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَعِّفُ لَهُمُ الْعَذَابَ مَا كَانُوا
يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿۲۰﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ ﴿۲۱﴾

(۱) یعنی کراما کاتبین .

(۲) مترجم گوید و میتوان گفت که همزه استفهام انکاری محذوف است یعنی آیا

نمی توانستند شنیدن و آبانمی دیدند .

لَا كِبْرَ لَهُمْ فِي الْخِزْيَانَةِ هُمُ الْاٰخِرُونَ ﴿۲۱﴾

بیشک این جماعت در آخرت ایشانند
زیانکارتر (۲۲) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاٰخَبُوْا اِلٰى رَبِّهِمْ
اُولٰٓئِكَ اَحْسَبُ الْجَنَّةَ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُونَ ﴿۲۳﴾

هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و عمل های
شائسته کردند و فروتنی کردند توجه کنان
بسوی پروردگار خویش ایشان اهل
بهشت اند ایشان آنجا جاویدانند
(۲۳) .

مَثَلُ الْفٰرِثِيْنَ كَمَا لَعْنَى الْوَالِدِ وَالْبَصِيْرِ وَالسَّبِيْحِ هَلْ
يَسْتَوِيْنَ مَثَلًا اَفَلَا يَذٰكُرُوْنَ ﴿۲۴﴾

مثال این دو فریق مانند کور و کر و بینا
و شنواست آیا هر دو برابراند درصفت
آیا پند نمی گیرید (۲۴) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلٰى قَوْمِهٖ اِنِّىْ لَكُمْ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۲۵﴾

وهر آئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم
اوگفت هر آئینه من برای شما بیم دهنده
آشکارم (۲۵) .

اَنْ لَا تَعْبُدُوْا وَاِلَّا اللّٰهَ اِنِّىْ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ
الْيَوْمِ ﴿۲۶﴾

(باین مضمون) که مپرستید مگر خدارا
هر آئینه من می ترسم بر شما از عذاب
روز درد دهنده (۲۶) .

فَقَالَ الْمَلَاِئِكَةُ لِكُفْرَانِهِمْ قَوْمِهٖ مَا تَرْكُ الْاَكْبَرٰ
وَمَثَلُنَا وَمَا تَرْكُ الْاَكْبَرٰ اِلَّا الَّذِيْنَ هُمْ اَرَادُوْا
بَادِي الرَّأْيِ وَمَا تَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ
كٰذِبِيْنَ ﴿۲۷﴾

پس گفتند جماعتی که کافر بودند از قوم
اونمی بینیم ترا مگر آدمی مانند خویش
ونه می بینیم که پیروی تو کرده باشند
(بتأمل سرسری) مگر آنانکه ایشان ارادل
مایند ونمی بینیم برای شما هیچ بزرگی
بر خود بلکه می پنداریم شمارا دروغگو
(۲۷) .

قَالَ يٰقَوْمِ اَرٰيْتُمْ اِنْ كُنْتُمْ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّيْ وَرٰسِيْ
رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِيْ فَتُعْبَدُوْنَ عَلٰى كُمُ اَنْتُمْ مَكْمُوْهًا
وَاَنْتُمْ لَهَا كٰرِهُونَ ﴿۲۸﴾

گفت ای قوم من خبر دهید مرا بدانکه اگر
باشم برحجتی از پروردگار خود وداده
باشد بمن بخشاشی از نزد خود پس
پوشانیده شد حقیقت آن

بر شما آیا اجبار کنیم شمارا بر آن
و شما ناخواهان آن باشید؟ (۲۸) .

وای قوم من طلب نمی کنم از شما بر این
پیغام رسانیدن مالی را، نیست مزد من
مگر بر خدا و نیستم طردکننده
مسلمانان (یعنی از صحبت خود) هر آینه
ایشان ملاقات کنندگانند با پروردگار
خویش ولیکن من می بینم شمارا قومی
که جهالت می کنید (۲۹) .

وای قوم من که نصرت دهد مرا از عقوبت
خدا اگر برانم ایشان را آیا پند نمی گیرید
(۳۰) .

و نمی گویم به شما که نزد من است
خزینه های خدا و نه آنکه میدانم غیب را
و نمی گویم که من فرشته ام و نمی گویم
آنان را که بخواری می نگردد بدیشان
چشمهای شما که نخواهد داد خدا بدیشان
هیچ نعمتی خدادانا تراست بآنچه
در ضمیر های ایشان است هر آینه من
آنگاه ازستم گاران باشم (۳۱) .

گفتند ای نوح مکابره کردی باما پس
بسیار کردی مکابره ما را پس بیار آنچه
وعدده می کنی اگر هستی از راست گویان
(۳۲) .

گفت جزاین نیست که بیارد آن را به
شما خدا اگر خواهد و شما عاجز کننده
نیستید (۳۳) .

و سود نمی دهد شمارا نصیحت من اگر
خواهم که نصیحت کنم شمارا اگر خدا

وَيَقُولُ لَا اسْتَأْذِينَ عَلَيْنَا مَا لَنَا مِنْ آبٍ وَإِنَّا
بِطَارِدِ الَّذِينَ اسْتَأْذَنُوا لَهُمْ مُلْفُونَ لَهُمْ وَالَّذِينَ آرَأَيْتُمْ قَوْمًا
يَجْتَهُونَ ۝

وَيَقُولُونَ مَنْ يَضُرُّنَا مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ۝

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا
أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدِرُ وُجُوهُهُمُ أَن يُؤْتِيَهُمُ
اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ
الظَّالِمِينَ ۝

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَاءَنَا كَلِمَةٌ مِنْ رَبِّكَ فَاتِّبِعْهَا مَا أَقْبَدْنَا
إِن كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝

قَالَ إِنَّمَا أَنبِئُكُمْ بِوَعْدِ اللَّهِ إِنْ سَاءَ مَا أَنبِئُكُمْ بِمُحْضَرِينَ ۝

وَلَا نَنْفَعُكُمْ نُفُوسًا إِنْ أَرَدْتُمْ أَن نَضْمَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ

أَنْ يَغْوِيَمْ هُودًا وَإِلَيْهِ رُجْعُونَ ﴿۳۴﴾

خواسته باشد که گمراه کند شمارا اوست پروردگار شما و بسوی او بازگردانیده می شوید (۳۴) .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَائِي وَإِنِّي بِرَبِّي شَكِيرٌ ﴿۳۵﴾

(یا محمد) آیامی گویند افترا بسته است قرآن را بگو اگر افترا بسته ام قرآن را پس بر من است گناه من و من بی تعلقم از گناه کردن شما^(۱) (۳۵) .

وَأَوْحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدِ امْنَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَآ كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۳۶﴾

ووحی فرستاده شد بسوی نوح که ایمان نخواهد آورد از قوم تو مگر آنکه مومن شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می کردند (۳۶) .

وَأَصْنَمُ الْفُلْكِ يَأْعُبُونَنَا وَجِدْنَا وَلَا نَحْنُ طَائِفِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۳۷﴾

و به ساز کشتی را بدیدگاه ما و بفرمان ما و سخن مگوبانم درباره آنانکه ستم کردند هر آئینه ایشان غرق شلگانند (۳۷) .

وَيَصْنَعُ الْفُلْكِ وَكَلَّمَ مَرْعَلِيهِ مَلَائِكُنَ قَوْمِهِ يَخْرُؤُونَ قَالَ إِنْ كُنْتُمْ رَاوِدًا فَارْحَبُوا عَلَيْنَا لَمَا تَشْتَرُونَ ﴿۳۸﴾

ومی ساخت نوح کشتی را و هرگاه که می گذشت بر آن کشتی جماعتی از قوم او تمسخر میکردند باوی ، گفت اگر مسخره می کنید ما را پس هر آئینه ما مسخره خواهیم کرد شمارا چنانکه شما مسخره می کنید (۳۸) .

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿۳۹﴾

پس خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش و فرود آید بروی عقوبتی دائم (۳۹) .

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ

(در همین معامله بود) تا وقتیکه آمد فرمان ما و بجوشید تنور و گفتیم بردار در کشتی

(۱) مترجم گوید این جمله اضافه کرده شد در وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه با حال قوم حضرت نوح والله اعلم .

ازهرجنسی دوتن (نروماده) را و بردار اهل خود را مگر آنکه سبقت کرده است بروی قضا^(۱) و بردار مسلمانان را، و ایمان نیاوردند باوی مگر اندکی (۴۰) .
و گفت (نوح) سوار شوید در کشتی، بنام خداست روان شدن وی و ایستادن وی هر آئینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست (۴۱) .

و آن کشتی می بُرد ایشان را در موجی مانند کوه ها و آواز داد نوح پسر خود را و او بود در کرانه ای پسرک من سوار شو باما و مباش با کافران (۴۲) .

گفت پناه خواهم گرفت بسوی کوهی که نگاه دارد مرا از آب گفت نوح هیچ نگاه دارنده نیست امروز از عذاب خدا مگر آنکه خدا رحم کرده است بروی و حائل شد موج میان ایشان پس شد از غرق شدگان (۴۳) .

و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود را و ای آسمان بازمان^(۲) و کم کرده شد آب و به انجام رسانیده شد کار و قرار گرفت کشتی بر کوه جودی و گفته شد هلاکت باد قوم ستمگاران را (۴۴) .

و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من هر آئینه پسر من از اهل

رَجَبَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ
وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَا إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ نَجَّيْنَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ ﴿٤١﴾

وَهُوَ جَبْرِي بُيُوتٍ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَتَادِي نُوحٍ ابْنَتَهُ
وَكَانَ فِي مَغْرَبٍ يَنْبَغِي أَزْكَبَ مَعَهَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾

قَالَ سَارُوا إِلَى الْجَبَلِ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَأَعَاصِمُ
الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ الْإِلَاحُ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ
مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٤٣﴾

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَسْمَأُ أَفْلَحِي وَغِيضَ الْمَاءِ
وَقِيصِي الْمُرُوءَاتِ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدَ اللَّعِينِ
الطَّالِبِينَ ﴿٤٤﴾

وَتَادَى نُوحٌ رَجَبَهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي

(۱) یعنی زن نوح و کنعان پسر نوح .

(۲) یعنی از باران .

من است وهر آئینه وعده تورااست است
وتوبهترین حکم کنندگانی (۴۵) .

گفت ای نوح هر آئینه وی نیست از اهل تو
هر آئینه او کاری ناشائسته است پس
سوال مکن تو مرا از چیزی که نیست ترا
دانش به آن هر آئینه من پند میدهم ترا
برای احتراز از آنکه باشی از جاهلان
(۴۶) .

گفت ای پروردگار من هر آئینه من پناه می برم
به تواز آنکه به پرسم از تو آنچه نیست
مرادانش به آن واگر نیامرزی مرا ورحمت
نه کنی بر من باشم از زیان کاران (۴۷) .

گفته شدای نوح فرودآ با سلامتی از جانب
ما و همراه برکت هافرودآمده بر تو و برامت
هائی که پیدا شوند از همراهان تو و امت
هائی دیگر که بهره مند می سازیم ایشان
را در دنیا باز برسد بایشان از جانب ماعذاب
درد دهنده (۴۸) .

این قصه از اخبار غیب است وحی
میفرستیم آن را بسوی تو نمی دانستی آن
را تو و نه قوم تو می دانستند پیش ازین
پس صبر کن هر آئینه عاقبت مرمتقیان
راست (۴۹) .

و فرستادیم بسوی عاد برادر ایشان هود را
گفت ای قوم من عبادت کنید خدای
نیست شمار هیچ معبود بر حقی بجزوی
نیستید شما مگر افتراء کننده (۵۰) .

ای قوم من نمی طلبم از شما بر این پیغام
مزدی را، نیست مزد من مگر بر کسیکه

وَأِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ ۝

قَالَ يُؤْمِرُ آئِنَهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ وَلَا
تَسْأَلُنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ عَذَابَكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ
الْجَاهِلِينَ ۝

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَلَا
تَعُوزُنِي وَتَرْحَمُونِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝

يَقِيلُ يُؤْمِرُ أَهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ
مِّنْ مَّعَكَ وَأُمْرًا سَنُبَعثُهُمْ ثُمَّ يَمُوتُ مَعَ عَادٍ الْيَوْمَ ۝

يَلَيْكَ مِنَ آتِيَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِمْ إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ
وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ۝

وَأَلِ عَادَ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يُقَوْمُوا عَبْدًا مِنَ اللَّهِ مَا كَلَّمْتُمْ
إِلَّا غَيْرُهَا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُقْتِرُونَ ۝

يُقَوْمُوا لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْكُمْ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا أَعْلَى الْإِنْدِي

قَطْرِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۵۱﴾

وَيَقُولُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَالْيَوْمَ يُرْسِلُ السَّمَاءَ
عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَكَّلُوا
مُجْرِمِينَ ﴿۵۲﴾

آفریده است مرا آبادر نمی یابید (۵۱) .
وای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار
خود باز رجوع کنید بسوی او تا بفرستد باران
را بر شماریزان و بیافزاید شمارا قوتی
همراه قوت شما و روگردان مشوید
گنهگار شده (۵۲) .

قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا
عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۵۳﴾

گفتند ای هود نیاوردی بما دلیلی نیستیم
ما ترك کننده معبودان خود را بگفته تو
و نیستیم ماترا باوردارنده (۵۳) .

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنْ أَسْأَلُ اللَّهَ
وَأَشْهَدُ بِالَّذِي يَرْئى مِنْهُ مَا تَرْكَبُونَ ﴿۵۴﴾

نمی گوئیم مگر آنکه رسانیده اند بتو بعض
معبودان ما ضرری، گفت هر آئینه من گواه
می سازم خدا را و شما گواه باشید که من بی
تعلقم از آنچه شما شريك می گیرید
(۵۴) .

مِنْ دُونِهِ كَلِيدُونَ جَمِيعًا ثُمَّ لَنْ نُنظِرَهُنَّ ﴿۵۵﴾

بجزوی پس توطئه کنید در حق من همه
يك جاباز مهلت مدهید مرا (۵۵) .

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ
أَخَذُ بِنَاصِيَتَيْهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۵۶﴾

هر آئینه من توکل کردم بر خدا پروردگار
من و پروردگار شما نیست هیچ جنبنده ای
مگر خدا گیرنده است به پيشانی او^(۱)
هر آئینه پروردگار من بر راه راست است^(۲)
(۵۶) .

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْنَاكُمْ مَا أَرْسَلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ
وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي

پس اگر روگردان شوید ضرری بمن
عائد نیست هر آئینه رسانیدم به
شما پیغامی را که فرستاده شدم همراه آن
بسوی شما و جانشین سازد پروردگار من

(۱) یعنی مالك اوست .

(۲) یعنی حكيم است .

قَوْمًا غَيْرُهُمْ وَلَا تَفْقَهُونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿۵۷﴾

قومی را بغیر از شما و هیچ زبان
نتوانید رسانیدن خدایا هر آئینه پروردگار
من بر همه چیز نگهبان است (۵۷) .

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَحْنُ آخِرُونَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةِ رَبِّكَ
وَ نَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۵۸﴾

و چون آمد عذاب مانجات دادیم هود را
و آنان را که ایمان آوردند باوی برحمتی
از جانب خود و برهانیدیم ایشان
را از عقوبت سخت (۵۸) .

وَلَيْكَ عَادٌ جَدًّا وَآيَاتٍ رَّحِمٍ وَصَوَّارِ سُلَّةٍ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كَلْبِ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿۵۹﴾

و این است سرگذشت عاد انکار کردند
آیات پروردگار خود را و نافرمانی نمودند
پیغامبران او را و پیروی کردند فرمان
هر سرکش ستیزنده را (۵۹) .

وَاسْمِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ الْآلَانَ عَادًا
كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَالْأَبْعَادُ الْعَادُ قَوْمٌ هُودٌ ﴿۶۰﴾

و از بهی ایشان فرستاده شد در دنیا لعنتی
و روز قیامت نیز، آگاه باش هر آئینه عاد
کافر شدند به پروردگار خود آگاه باش
نفرین بادعاد را که قوم هود بودند (۶۰) .

وَلِلَّهِ نَمُودُ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ
غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعْرِضُوا
لَهُ نَسَبَكُمْ وَآلِيَّتَهُ لَنْ رَبِّي قَرِيبٌ يُحِيبُ ﴿۶۱﴾

و فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان صالح
را گفت ای قوم من عبادت کنید خدایا
نیست شمارا هیچ معبود برحق بجزوی
او پیدا کرد شمارا از زمین^(۱) و ساکن
گردانید شمارا در زمین پس طلب آمرزش
کنید ازوی باز رجوع کنید بسوی او
هر آئینه پروردگار من نزدیک است
پذیرنده دعاست (۶۱) .

قَالَ الْيُطْبِئِيُّ قَدْ كُنْتُ فِيْنَا سَرُوحًا أَقْبَلَ هَذَا أَتَيْتُهُمْ أَن لَعْبُدَ مَا
يَعْبُدُونَ أَبَاؤُنَا وَآبَائُنَا لَيْسَ سَبْكُ جَمَانٍ حُونَ الْإِلَهِمْ يُرْسِبُ ﴿۶۲﴾

گفتند ای صالح بودی تودرمیان
ما امید داشته شده پیش ازین آیامنع می کنی
ما را از آنکه عبادت کنیم معبودانی را که

(۱) یعنی آفرید پدر و مادر شما آدم و حوا را از خاک که شما از نسل آنهائید .

عبادت میکردند پدران ما و هر آئینه مادرشبهه قوی ایم از آنچه میخوانی مارا بسوی آن (۶۲).

گفت ای قوم من آیادیدید اگر باشم برحجتی از پروردگار خود عطا کرده باشد بمن از جانب خود بخشاشی پس که نصرت دهمرا از عقوبت خدا اگر نافرمانی او کنم پس نمی افزائید در حق من مگر زیان کاری را (۶۳).

وای قوم من اینست ماده شتری که خدافرستاده است برای شمانشانه پس بگذاریدش تابخورد در زمین خدا و مرسانید به وی هیچ ضرری که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتی نزدیک (۶۴).

پس پی زدند آن را پس گفت صالح بهره مند باشید درسرای خود سه روز این وعده هست غیر دروغ (۶۵).

پس وقتی که آمد فرمان مانجات دادیم صالح را و آنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشاشی از جانب خود و رهانیدیم از رسوائی آن روز، هر آئینه پروردگارتو اوست توانای غالب (۶۶).

و در گرفت ستمگاران را آواز سخت پس صبح کردند درسراهای خود مرده هائی بر روی افتاده (۶۷).

گویا هرگز نه بودند آن جا آگاه باش هر آئینه نمود انکار کردند پروردگار خود را هر آئینه دوری باد نمود را (۶۸).

هر آئینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم

قَالَ يَقُولُونَ لِمَنْ كُنْتَ عَلَىٰ بَيْنَهُمْ مِنْ رَبِّي وَأَنْتَىٰ إِنَّمَا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّي يُضَلُّونَ مِن دُونِهَا وَإِن مِّنْ عَصِيْبَةٍ لَّهُمْ تَرْبِيًّا وَتُؤْتَىٰ عَيْرٌ تَحْيِيْرٌ ﴿٦٢﴾

وَيَقُولُ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ الَّتِي آتَتْكُمْ آيَةً ذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسَوْءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ﴿٦٣﴾

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَّعُوْا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ آيَاتِهِ ذَٰلِكُمْ وَعَدُوٌّ لَّكُمْ وَلَوْلَا رَحْمَةُ رَبِّ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخاسِرِيْنَ ﴿٦٤﴾

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِيْنَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ﴿٦٥﴾

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ سَيَئِرُهُمْ ذَرْهُمْ عَلَىٰ آلِهِمْ أَنِجْنَاهُمْ مِنْ ضَلٰلَتِهِمْ وَإِنَّا مُنصِرُونَ ﴿٦٦﴾

كَانَ لَكُمْ يَوْمَئِذٍ فِيهَا إِلٰهٌ نُّمُودٌ لَّهُمْ وَأَرَادَهُمْ بِالْآبُعْدَاءِ لِشُمُوْدٍ ﴿٦٧﴾

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرٰهِيْمَ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا سَلِمْنَا قَالَ سَلٰمٌ

به بشارت، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه آورد گوساله ای بریان (۶۹) .

پس چون دیدکه دستهای ایشان نمی رسد بآن خوف زده شد ازایشان وبخاطر آورد ازایشان ترسی گفتند مترس هرآئینه مافرستاده شده ایم بسوی قوم لوط (۷۰) .

وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید^(۱) پس مژده دادیمش بتولد اسحاق وبعد اسحاق بوجود یعقوب (۷۱) .

گفت ای وای برمن آیاخواهم زادومن پیرم واین شوهر من است کلان سال شده هرآئینه این چیزی عجیب است (۷۲) .

فرشتگان گفتند آیا تعجب می کنی ازقدرت خدا، بخشاش خدا و برکات اوبرشماست ای اهل این خانه هرآئینه خداستوده شده بزرگوارست (۷۳) .

پس چون رفت از ابراهیم خوف وآمدش بشارت شروع نمود جدال کردن با مادرباره قوم لوط (۷۴) .

هرآئینه ابراهیم بردبار ناله کننده رجوع کننده بخدا بود (۷۵) .

گفتیم ای ابراهیم بگذرازین جدال هرآئینه (حال اینست که) آمد عقوبت پروردگار تووهر آئینه این جماعت

فَمَا لِيكَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِينٍ ۝

فَلَمَّا رَأَى آيَاتِيهِمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِمْ بَكَرَهُمْ وَأَوَّسَ مِنْهُمْ خِيْفَةً
قَالُوا لَوِ اتَّخَذَ إِنَّا أَوْلِيَاءَ لَمَا لَأَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ۝

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ
إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ۝

قَالَتْ يَوَيْلَ لِيَ الْإِلْدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْضُ شَيْخَانِ هَذَا
لَقَتِي عَجِيبٌ ۝

قَالُوا أَلَمْ نَجْعِبْكَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ حَسْبُ اللَّهِ وَبَرَكْنَا عَلَيْكَ أَهْلَ
الْبَيْتِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ۝

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْحُ وَجَاءَتْهُ الْبُكْرَى يُجَادِلُنَا
فِي قَوْمِ لُوطٍ ۝

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَكِيمٌ ۝ آوَاهُ مُنِيبٌ ۝

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ
إِيتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مُرْدُودٍ ۝

خواهد آمد بایشان عقوبتی که باز گردانیده نشود (۷۶) .

و چون آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوهگین شد بسبب ایشان دلتنگ شد به سبب ایشان و گفت این روزیست سخت^(۱) (۷۷) .

و آمدند پیش لوط قوم او شتابان بسوی او و پیش از آن میکردند کارهای زشت لوط گفت ای قوم من این دختران من اند (یعنی نکاح کنید) این ها پاکیزه تراند برای شما پس بترسید از خدا و رسوا کنید مرا در مورد مهمانان من آیینست از شما هیچ مردشائسته ای (۷۸) .

گفتند هر آئینه تو دانسته ای که نیست مارا در دختران تو حاجتی و هر آئینه تو میدانی آنچه می خواهیم (۷۹) .

گفت اگر مرا بمقابله شما قوتی می بود یا پناه می گرفتم به قوم زور آور (چنین میکردم) (۸۰) .

فرشتگان گفتند ای لوط هر آئینه ما فرستادگان پروردگار تو ایم نخواهند رسید به تو پس ببراهل خود را بپاره ای از شب و باید که واپس ننگرد هیچکس از شما مگر زن تو که رسیدنی است او را آنچه رسید باین قوم هر آئینه میعاد

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلًا لَّوْطَآئِمِي بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٦﴾

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَقُولُوا هَؤُلَاءِ بنَاتُنَا مِنْ قَبْلُ فَاكْفُرُوا اللَّهُ وَلَا تَعْرُوبْنَ فِي حَيْثُ فِي الْبَيْتِ مِنْكُمْ جُلُودٌ رَشِيدٌ ﴿٧٧﴾

قَالُوا الْقَدِ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بنَاتِكَ مِنْ حَيْثُ وَأَنْتَ لَتَعْلَمُنَّ مَا نُرِيدُ ﴿٧٨﴾

قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَرْوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٧٩﴾

قَالُوا ايْلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِظِلِّ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَقِمْ مِنْكُمْ أَحَدًا إِلَّا أَمْرَاتَكَ إِنَّهُ مُبْصِرٌ مَا أَصَابَهُمْ إِنْ مَوْعَدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨٠﴾

(۱) مترجم گوید یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند و عادت قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیدا شد والله اعلم .

ایشان وقت صبح ست آیاصبح نزدیک نیست؟ (۸۱) .

پس چون آمد فرمان ما ساختیم زبران (ده ها) را زیر آن و بارانیدیم بر آنجاسنگهای ازگل پخته، پی در پی (۸۲) .

نشان مند ساخته شده نزد پروردگار تواین سنگ هانیستند دورازستمگاران (۸۳) .

و فرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود برحقى مگروى و کم مکنید پیمانہ و ترازو را هر آئینه من می بینم شمارا که در نعمتید و هر آئینه من می ترسم بر شما از عذاب روزدر بگیرنده^(۱) (۸۴) .

وای قوم من کامل کنید پیمانہ و ترازو را بانصاف و کم مرسانید بمردمان چیزهای ایشان را و تباهکاری مکنید در زمین فسادکنان (۸۵) .

باقی گذاشته خدای تعالی بهتر است برای شما اگر باور دارنده اید و نیستم من بر شما نگهبان (۸۶) .

گفتند ای شعیب آیانماز تو میفرماید ترا که بگذاریم آنچه می پرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم درمال خود هرچه خواهیم هر آئینه تو مرد بُردبار شائسته

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَىٰ مَنَّا فِيهَا حِسَابًا فَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابًا مِّن سِجِّيلٍ فَاتَّضَوُا ۝

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ۝

وإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ دُونِهِ وَلَا تَقْسُوا إِلَهَكُمْ وَالْيَزَانَ إِنَِّّي أَرَاكُمْ عَادُونَ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ۝

وَيَقَوْمِ أَوْشٍ الْأَيْكِيَالِ وَالْيَزَانَ يَا قَاسِطٍ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَمْشِيًا لَهُمْ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ؕ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ۝

قَالُوا يَشْعِبُ أَبْصُولُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْعَلِيْمُ الرَّشِيْدُ ۝

معامله ای (ومقصودایشان استهزا بود) (۸۷) .

گفت ای قوم من آیا دیدید اگر باشم برحجتی از پروردگار خود وداده باشد بمن از جانب خود روزی نیک^(۱) و نمی خواهم که خلاف کنم باشما مثل شده بسوی آنچه منع می کنم شمارا از آن^(۲) نمی خواهم مگر صلاح کاری تابتونم و نیست توفیق من مگر به فضل خدا بروی توکل کردم و بسوی اورجوع می کنم (۸۸) .

و ای قوم من ضدیت بامن نباید و اداری سازد شمارا باین خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید بقوم نوح یا بقوم هود یا بقوم صالح و نیست قوم لوط دوراز شما (۸۹) .

و طلب آموزش کنید از پروردگار خود بازرجوع کنید بسوی اوهرآئینه پروردگار من مهربان دوستدارست (۹۰) .

گفتند ای شعیب نمی فهمیم بسیاری از آنچه می گوئی وهرآئینه مامی بینیم ترا در میان خودناتوان و اگر نه می بود قبیله تو سنگسار میکردیم ترا و نیستی توپیش ما گرامی قدر (۹۱) .

گفت ای قوم من آیاقبيله من گرامی

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتِنَا مِنَ رَبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝

وَيَقَوْمِ لَا تَجْرِمُوا بُنَىٰكُمْ بِغَيْرِ حَقِّ أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ ۝

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ فَتَوَلَّىٰ إِلَيْهِمْ إِنْ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝

قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا نَقُولُ وَإِنَّا لَنَرِيكَ فِيْنَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا نَأْتِنَا بِعِزٍّ ۝

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتِنَا مِنَ رَبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝

(۱) یعنی حلال چگونه سخن شمارا شنوم .

(۲) مترجم گوید یعنی نمی خواهم که بکار نیک بفرمایم و خود نکنم والله اعلم .

وَأَعْرَضُوا عَنْ آلِ رَافِعَةَ إِذْ نَبَتْ بِهَا تَعْلَمُونَ حَيْثُ ۱۶

تراست پیش شما از خدا و گرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش هر آئینه پروردگار من آنچه میکنید در بگریزنده است (۹۲) .

وَيَقُولُ لِمَأْمُرًا وَعَلَىٰ مَكَانٍ تَكْفُرًا إِلَىٰ عَامِلٍ سَوَّاهُ تَعْلَمُونَ لَا
مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَادِبٌ وَأَكْفَبُ ۖ وَالَّذِينَ جَاءُوا
مَعَهُ يَفْتِنُ ۗ ۱۷

وای قوم من عمل کنید بر طور خود هر آئینه من نیز عمل کننده ام زود خواهید دانست آن را که بیایدش غذایی که رسوا کندش و آن را که وی دروغگوست و انتظار برید هر آئینه من باشما منتظرم . (۹۳)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَآلَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ
مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْعَةَ فَأَصْبَحُوا
دِيَارَهُمْ جُحِيمِينَ ۗ ۱۸

ووقتیکه آمد عذاب ما نجات دادیم شعیب را و آنان را که ایمان آوردند باوی به بخشاشی از خود و دگر گرفت ظالمان را آواز سخت پس گشتند در سراهای خویش مرده افتاده (۹۴) .

كَانَ لَمْ يَقْمُوا فِيهَا إِلَّا بَعْدَ الْمَدِينِ كَمَا بَعْدَتْ نَمُودُ ۗ ۱۹

گویا هرگز نه بودند آنجا آگاه باش دوری باد مدین را چنانکه دور افتادند ثمود . (۹۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَنٍ مُّبِينٍ ۗ ۲۰

وهر آئینه فرستادیم موسی را به نشانه های خود و به دلیل روشن (۹۶) .

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا
أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ۗ ۲۱

بسوی فرعون و جماعت او پس پیروی کردند فرعون را و نه بود فرمان فرعون براه راست (۹۷) .

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْدَدَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ الْوَرْدُ
الْمُورُودُ ۗ ۲۲

پیشوا شود فرعون قوم خود را روز قیامت پس بیاردایشان را باتش و بدجائست که وارد آن شدند (دوزخ) (۹۸) .

وَأَنْشَبُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّقْدُ
الْمُرْقُودُ ۗ ۲۳

وازی ایشان آورده شد لعنت درین دنیا و روز قیامت نیز بدعطائست که داده

شد (آن لعنت) (۹۹) .

این از اخبارده ها ست که میخوانیم آن را بر تو بعضی از آن باقیست و بعضی از بیخ بریده (۱۰۰) .

وستم نکردیم ایشانرا ولیکن ایشان ستم کردند بر خویشان پس هیچ دفع نکردند از ایشان معبودان ایشان که میخواندند بغیر از خدا وقتی که آمد فرمان پروردگار تو و نپذیردند ایشان را بجز هلاکی (۱۰۱) .

وهمچنین ست گرفتار کردن پروردگار تو چون بگیرد ده ها را و آنها ستمگار باشند هر آئینه گرفت وی درد دهنده سخت است (۱۰۲) .

هر آئینه درین سخن نشانه است کسی را که ترسیده است از عذاب آخرت آن روز روزیست که جمع کرده شوند در آن مردمان و آن روز روزیست که همه حاضر شوند در وی (۱۰۳) .

و موقوف نمی داریم آنرا مگر تاملت معین (۱۰۴) .

روزی که بیاید سخن نگوید هیچ کس مگر بدستور حق پس بعض ایشان بدبخت باشند و بعضی نیک بخت (۱۰۵) .

اما آنانکه بدبخت شدند پس در آتش باشند ایشان را باشد آنجا فریاد سخت و ناله زار (یعنی مانند آواز خر) (۱۰۶) .

باشند جاودان آنجا مدت بقای آسمان ها و زمین مگر آنچه که خواسته است

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغُرَى نَفْضُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَوِيدٌ ۝۹۹

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتَابَعٌ ۝۱۰۰

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْغُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ لِرَبِّكَ إِخْذَةٌ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ۝۱۰۱

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ - ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعُهُ لِقَاءُ النَّاسِ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ۝۱۰۲

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُعَدُّودٍ ۝۱۰۳

يَوْمَ يَأْتُ لَا تَكَلُمُهُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ سُوقٌ مُسْتَعْتَبٌ ۝۱۰۴

فَأَمَّا الَّذِينَ شَعَوْا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۝۱۰۵

خَالِدِينَ فِيهَا مَا مَدَّتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ دَقَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۝۱۰۶

پروردگار تو هر آئینه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد (۱۰۷) .

و اما آنانکه نیک بخت کرده شدند پس در بهشت باشند جاودان آنجا تامدت بقای آسمان ها وزمین مگر آنچه که خواسته است پروردگار تو بخششی غیر منقطع^(۱) (۱۰۸) .

پس مباش در شبهه از آنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر چنانکه می پرستیدند پدران ایشان پیش ازین و مالبته تمام دهنده ایشانیم حصه ایشان را ناکاهیده^(۲) (۱۰۹) .

و هر آئینه دادیم موسی راکتاب پس اختلاف افتاد در آن و اگر نمی بود سخنی که سابقاً صادر شده از پروردگار تو هر آئینه فیصله کرده می شد میان ایشان و ایشان در شبهه قوی اندازان (۱۱۰) .

و هر آئینه هر کسی وقتی که برانگیخته شود البته تمام خواهد داد ایشان را پروردگار توجزای کردار ایشان هر آئینه وی بآنچه میکنند داناست (۱۱۱) .

پس استوار باش چنانچه فرموده شده تور او آنانکه توبه کرده اند همراه تونیز، و از حد مگذرید هر آئینه وی بآنچه می کنید

وَأَتَا الَّذِينَ يَنْسُوْنَ سُوْدًا فَمِنَ الْجَمْعِ خَلِدِيْنَ فِيْهَا مَا كَادَ مِنَ السَّمَوٰتِ وَالْاَرْضِ اَلْاَشْاَهَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُوْدٌ ﴿۱۰۷﴾

فَلَا تَكُ مِنَ الرَّوِيَّةِ وَمَا يَعْبُدُ هُوْلَاءُ مَا يَعْبُدُوْنَ اِلَّا كَمَا يَعْبُدُ اٰبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَاِنَّا لَنُوْفُوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوْصٍ ﴿۱۰۸﴾

وَلَقَدْ اَنْزَلْنَا مُوسٰى الْكِتٰبَ فَاتَّخٰذَتْ يَدُوْهُ وَاَوْلٰٓءِكَ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقٰصِيْ بَيْنَهُمْ وَاِنَّهُمْ لَكٰفِيْ سَلٰكٍ مِّنْهُ مُرِيْبٍ ﴿۱۰۹﴾

وَاِنَّا لَنُوْفُوْهُمْ رَبُّكَ اَعْمَالُهُمْ اِنَّهٗ بِمَا يَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿۱۱۰﴾

فَاَسْتَمِعْتُمْ كَمَا اُوْرْتُمْ وَاَنْ تَابَ مَعَكُمْ وَاَلَّا تَطْعَمُوْا اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۱۱۱﴾

- (۱) مترجم گوید یعنی مدت ماندن در بهشت و دوزخ مانند مدت دوام آسمان ها وزمین است دردنيا اگر زیادتی را که در مشیت خداست و در فهم کسی نمی گنجد اعتبار نکند حاصل بیان دوام است بابلغ وجوه والله اعلم .
- (۲) یعنی حصه ایشان از عذاب .

بیناست (۱۱۲) .

و میل مکنید بسوی آنانکه ستم کردند که
آنگاه برسد به شما آتش و نیست شمارا
بجز خدا دوستان باز نصرت داده نه شوید
(۱۱۳) .

و برپاکن نمازرا دو طرف روز و ساعتی
چند از شب هر آئینه طاعات دور میکنند
گناهان را این پندی هست پند پذیران را
(۱۱۴) .

و شکیبائی کن هر آئینه خدا ضائع نمی
سازد مزد نیکوکاران را (۱۱۵) .

پس چرا نه شدند از آن قرنهایکه پیش
از شما بودند اهل خرد که منع کنند از فساد
در زمین مگر اندکی از آن جماعت که
نجات دادیم از میان ایشان و پیروی کردند
ستمگاران چیزی را که آسودگی داده
شدند بآن^(۱) و بودند گناه گاران (۱۱۶) .

و هرگز نیست پروردگار تو که هلاک کند
ده ها را به ستم و اهل آن نیکوکار باشند
(۱۱۷) .

و اگر می خواست پروردگار تو البته
می گردانید مردمان را یک ملت و همیشه
باشند مختلف (۱۱۸) .

مگر آنکه بروی رحم کرده است
پروردگار تو و برای این اختلاف آفریده
است ایشان را و تمام شد سخن

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ
اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿۱۲﴾

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَرُمْلاً لَّيَالِيهِ إِنَّ الصَّلَاةَ
يُذْهِبُ عَنِ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ كَفَرُوا ﴿۱۳﴾

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّبُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۴﴾

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَهْبَأْنَا مَنَّهُمْ
وَإِثْبَعَهُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا
مُجْرِمِينَ ﴿۱۵﴾

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا
مُصْلِحُونَ ﴿۱۶﴾

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُ النَّاسُ
مُخْتَلِفِينَ ﴿۱۷﴾

إِلَّا مَن تَحَرَّرَ رَبُّكَ وَلَئِنَّكَ خَلَقْتَهُمْ وَتَدَّبَّرْتَ كَلِمَةَ رَبِّكَ

لَا تَمُنَّ بِجَهَنَّمَ مِنَ الْيَمِينِ وَالْأَيْسَارِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۵﴾

وَكَلَّا تَقْضَىٰ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَنْتَبِهُ بِهِ فؤَادَكَ
وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۶﴾

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ
إِنَّا غَائِبُونَ ﴿۱۷﴾

وَأَنْتُمْ بِمَا أَنْتُمْ مُنْظَرُونَ ﴿۱۸﴾

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ يُوَسِّعُ الْأَرْضَ كُلَّهَا فَأَعْبُدْهُ
وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۹﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَتِكَ أَيُّهَا الْكَلْبُ الْمُبِينُ ﴿۱﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۲﴾

پروردگار تو، که البته پرکنم دوزخ را از
جنیان و مردمان همه يك جا^(۱) (۱۱۹) .

وهر چیزی را حکایت می کنیم برتواخبار
پیغامبران آن چیزی است که ثابت می
گردانیم بآن دل ترا و آمده است به تودرین
سوره سخن درست و پندی ویادآوری
برای مسلمانان (۱۲۰) .

وبگورانان را که ایمان نمی آرند عمل کنید
برطور خود هرآئینه مانیز عمل
کنندگانیم (۱۲۱) .

وانتظار کشید هرآئینه مانیز منتظریم
(۱۲۲) .

وخدا راست علم غیب آسمان ها وزمین
وبسوی اوبازگردانیده می شودکار همه
آن پس عبادت کن اورا وتوکل کن براو
ونیست پروردگار تو بیخبر از آنچه
می کنید (۱۲۳) .

سوره یوسف مکی است و آن يك صدویازده
آیت ودوازده رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الرّٰی آیت ها آیاتِ کتاب روشن است
(۱) .

هرآئینه مافروفرستادیم آن را قرآن عربی

(۱) مترجم گوید در عرف اختلاف رانست میکند باهل باطل نه باهل حق و يقال قال
اهل الحق كذا وخالقهم فرق پس استثنای من رحم بی تكلف صحیح شد واللّه
اعلم .